

وظیفه‌مندی والدین در پرورش تولی و تبری فرزند از

دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام

□ محمدموسی حمیدی *

چکیده

مقاله پیش رو، وظیفه‌مندی والدین در پرورش تولی و تبری فرزند را با روش تحلیل محتوا با تأکید بر روش استنباطی و اجتهادی در فقه اهل بیت علیهم‌السلام، مورد بررسی و پژوهش قرار داده است. فقه اهل بیت علیهم‌السلام، نگاهی جامع و همه جانبه به حقوق و شئون وجودی فرزند و وظایف و تکالیف والدین در پرورش تولی و تبری او دارد. تربیت تولی و تبری فرزند؛ به گونه‌ای که عقل نظری او از قید وهم و خیال رها گردیده و به معرفت ناب و بینش عمیق برسد و شناخت او شناخت خدایی و محبتش محبت خدایی و رفتارش رفتار خدایی شود، حقی است که شارع مقدس اسلام والدین را مسئول آن قرار داده است.

این پژوهش نشان می‌دهد که پرورش تولی و تبری فرزند در ارتباط با خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام در دوران قبل از بلوغ فرزند و بعد از آن، طبق آیات و روایات از جمله؛ آیه وقایه، حدیث مسئولیت تربیت فرزند و سیره تربیتی معصومان علیهم‌السلام از جمله؛ دعای امام سجاد علیه‌السلام برای تربیت فرزندان و وصیتنامه امام علی علیه‌السلام به امام حسن مجتبی علیه‌السلام به شرط احتمال تأثیر و به صورت یکسان بر والدین واجب می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: واژگان کلیدی: وظیفه‌مندی والدین، پرورش تولی، پرورش تبری، تربیت فرزند، فقه اهل بیت علیهم‌السلام.

مقدمه

فقه اهل بیت علیهم السلام که برای تنظیم حیات بشر و نیل به ولایت خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، تشریح گردیده است، شامل اعمال جوارحی و جوانحی و تنظیم روابط گوناگون فردی، اجتماعی، سیاسی و تربیتی همه جهانیان از جمله والدین می‌شود.

فرزند چون در عالم طبیعت زندگی می‌کند و شئون ادراکی؛ مانند حس، واهمه و متخیله و شئون تحریکی؛ نظیر شهوت و غضب و میل انحرافی به شرّ و تباهی و دشمنان خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام دارد، نیازمند تربیت تولّی و تبری می‌باشد.

از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام، والدین قبل از رسیدن فرزند به سنّ تکلیف، حتی از زمان انتخاب همسر، انعقاد نطفه، و بارداری، مسئول تربیت تولّی و تبری او می‌باشند؛ زیرا آنها عامل وراثت و محیط هستند، نه تنها خصوصیات ظاهری؛ بلکه صفات روحی و باطنی آنان به فرزند منتقل می‌شوند.

والدین در پرورش تولّی و تبری فرزند مسئول و مجری احکام و دستورالعملها و آدابی اند که فقه اهل بیت علیهم السلام برای آنها تعریف و تعیین کرده است؛ زیرا تنها در این صورت است که فریضة تولّی و تبری در عمق جان فرزند راه یافته و تقویت و تثبیت می‌گردد و او خود را به ویژگی‌های مثبت اولیای الهی می‌آراید و از زشتی اعمال دشمنان آن‌ها دوری می‌جوید و به لحاظ اجتماعی و سیاسی نیز به اتحاد و همبستگی و ثبات قدم رسیده و خود را از خطرهای آسیب‌های دشمنان خدا مصون می‌سازد.

از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام بیان وظایف والدین و ثواب و عقاب الهی باعث می‌شود که والدین وظایف و تکالیف شرعی خود را به صورت قاطع و جدی و با انگیزه مضاعف انجام دهند. در پرورش تولّی و تبری فرزند مسأله وظیفه مندی والدین از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام، به صورت مستقل، جامع و نظام مند، مورد بحث و پژوهش قرار نگرفته است.

به این ترتیب، مسأله پژوهش عبارت است از: "وظیفه مندی والدین در پرورش تولّی و تبری فرزند از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام". در این راستا به دو سؤال فرعی پرداخته می‌شود:

۱. مفهوم فقه اهل بیت علیهم السلام، مفهوم تولّی و تبری، مفهوم پرورش تولّی و تبری، و مقصود

از وظیفه‌مندی والدین چیست؟

۲. وظیفه‌مندی والدین در پرورش تولّی و تبری فرزند در ارتباط با خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، قبل از بلوغ فرزند و بعد از آن چیست؟

روش تحقیق در این مقاله، روش تحلیل محتوا با تأکید بر روش استنباطی و اجتهادی رایج در فقه اهل بیت علیهم‌السلام، است که آیات و روایات و سیره تربیتی معصومان علیهم‌السلام به دقت مورد بررسی و استناد قرار می‌گیرد.

برای اینکه تحقیق و بررسی وظیفه‌مندی والدین در پرورش تولّی و تبری فرزند براساس تصور درست کلمات و مفاهیم اساسی آن شکل بگیرد، نخست لازم است، معانی لغوی و اصطلاحی قصد شده از آنها روشن گردد. بدین جهت، این مقاله، شامل دو مبحث: ۱. مفهوم شناسی؛ ۲. وظیفه‌مندی والدین، می‌باشد.

مفهوم شناسی

۱. فقه اهل بیت علیهم‌السلام

واژه «فقه» در لغت به معنای علم و فهم با دقت و تأمل است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۴۲)، و در اصطلاح، علم به احکام شرعی فرعی از روی دلایل تفصیلی آن می‌باشد (حلی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۶۴). دو کلمه «اجتهاد» و «استنباط» به اصطلاح یاد شده اشاره دارد. کلمه «اجتهاد» از ماده «جهد» یا «جهد» در لغت به معنای تحمل مشقت و به کارگرفتن نهایت تلاش و نیرو برای دستیابی به هدف است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۰۸)، و در اصطلاح، به کارگیری نهایت کوشش و توان برای تحصیل حجت بر حکم شرعی است (آخوندخراسانی، ص ۴۶۴). کلمه «استنباط» از ریشه «نبط» در لغت به معنای استخراج چیزی است (ابن فارس، همان، ج ۵، ص ۳۸۱)، و در اصطلاح، استخراج حکم شرعی از فحوای نصوص می‌باشد (شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۶۲).

مراد از اهل بیت علیهم‌السلام، عترت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ یعنی ابو الحسن، علی بن ابیطالب، امیرالمومنین؛ ام ابیها، فاطمه بنت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سیده نساء العالمین؛ ابو محمد، حسن بن علی،

المجتبی؛ ابو عبد الله، حسین بن علی، سید الشهداء؛ ابو محمد، علی بن الحسین، زین العابدین؛ ابو جعفر، محمد بن علی، باقر العلوم؛ ابو عبد الله، جعفر بن محمد، الصادق؛ ابو الحسن، موسی بن جعفر، الکاظم؛ ابو الحسن، علی بن موسی، الرضا؛ ابو جعفر، محمد بن علی، التقی الجواد؛ ابو الحسن، علی بن محمد، الهادی؛ ابو محمد، حسن بن علی، العسکری و امام مهدی، حجة بن الحسن علیه السلام می‌باشند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۹).

فقه اهل بیت علیهم السلام که شامل مسائل اجتماعی و سیاسی و اعمال جوانحی و باطنی مکلفان نیز می‌شود (زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۰)، از آن جهت که تابع اندیشه اهل بیت علیهم السلام؛ بویژه ابو عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است، "فقه جعفری" گفته می‌شود و از آن حیث که منسوب به شیعیان دوازده امامی است، "فقه شیعه و امامیه" گفته می‌شود (مکارم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۴).

۲. تولی و تبری

کلمه تولی در لغت به معنای کسی را ولیّ خود گرفتن و از او پیروی کردن و خشنود بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۴۱۵). واژه تولی اگر با «عن» متعدی شود، به معنای اعراض و روگردانیدن است (راغب، همان، ص ۵۳۴)، و اگر با «الی» باشد به معنای اقبال و روکردن می‌باشد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۴۵). کلمه تبری در لغت به معنای اظهار برائت (مدنی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۷) و دوری جستن از چیزی است که مجاورت و همنشینی با آن کراهت و نفرت دارد (راغب، همان، ص ۱۲۱).

در اصطلاح از تولی و تبری تعریف و تحلیل‌های متعددی ارائه شده است. تولی و تبری در یک تحلیل، مرحله تلطیف شده جذب و دفع است که دو رکن اساسی زندگی انسان‌ها بوده و به همان میزانی که از آنها کاسته شود در نظام زندگی بشر، خلل ایجاد می‌شود (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۲۱).

جذب و دفع در انسان‌های عادی، به صورت "شهوت و غضب"، گاهی به صورت "محبت و عداوت"، و زمانی به صورت "ارادت و کراهت" نمایان می‌شود (جوادی، ۱۳۸۱، ص ۴۴۹). جذب و دفع در مؤمنان، تحت تدبیر عقل و وحی به صورت "تولی و تبری" تعدیل و ظاهر گردیده و

در شمار "فروع دین" قرار می‌گیرد (همو، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۱۳۰). بر این اساس، تولی و تبری یک آموزه‌ای اعتقادی و رفتاری است و عبارت می‌باشد از: «دوست داشتن، تصدیق و تبعیت و پذیرش ولایت خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام و دوری جستن از دشمنان خدا» (همو، ۱۳۸۷، ص ۶). از آنجایی که انسان متأثر از محیط، سنت‌ها، ارزش‌ها و الگوهای اجتماعی می‌باشد و با گرفتن الگو

از شخصیت‌های محبوب، به تدریج از بدی‌ها فاصله می‌گیرد و با خوبان نزدیک و هم‌رنگ می‌شود، «تَوَلَّى» و «تَبَرَّى» و «حُبِّ فِي اللَّهِ» و «بُغْضِ فِي اللَّهِ» هر دو، اشاره به یک حقیقت دارند و عبارت‌اند از اینکه: «دوستان خدا را دوست داریم و دشمنان خدا را دشمن، و پیشوایان بزرگ دین یعنی پیامبر

اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام را در همه چیز اسوه و الگوی خود قرار دهیم» (مکارم، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۳۶۶).

تولی و تبری در بیان و تحلیل دیگر، در مفهوم "پیوند دوستی با دوستان خدا برقرار کردن و پیوند بیزاری با دشمنان خدا برقرار کردن" (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۷، ص ۲۱۵) و "پیوستگی با اهل حق و گسیختگی از اهل باطل" (حسینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵۵۲)، به کار رفته است. در این رویکرد، تولی و تبری اشاره به حالت به هم پیوستگی و هم‌جهگی و اتصال شدید اهل حق دارد؛ به گونه‌ای که دارای فکر واحد و جویای هدف واحد گردیده و انضباط حزبی در برابر حزب دشمنان خدا و اهل باطل برقرار می‌کنند.

اصطلاح «تَوَلَّى» و «تَبَرَّى» ریشه در قرآن و حدیث دارد. از نگاه آیات و روایات، حُبِّ و بغض و تولی و تبری از صفات و افعالی هستند که ارزش و آسیب آنها، تابع حُسن و قبح و خیر و شرّ متعلق آنها می‌باشند. اگر متعلق حُبِّ و تولی، خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام باشند، امری مثبت و باعث کمال و رستگاری انسان است؛ مانند تولی در آیه: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶/۵)؛ و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او، و افراد با

ایمان را بپذیرند، (پیروزند؛ زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است». اگر متعلق حُبِّ و

تولّی، دشمنان خدای سبحان باشند، امری منفی و موجب ذلّت و شقاوت انسان می‌شود؛ مانند آیه:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ... . أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (مجادله: ۵۸/۱۵، ۱۴)؛ آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟!... آنان حزب شیطانند. بدانید حزب شیطان زیانکارانند!.

تولّی و تبرّی در روایات نیز اشاره به پیوند مکتبی داشته و به عنوان محکم‌ترین دستگیره ایمان بیان

شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَوْتُقُّ عُرَى الْإِيمَانِ، الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّبَرُّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۲۵). بر همین اساس، در روایتی از امام کاظم علیه السلام تولّی و تبرّی از صفات شیعیان اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است: «شِيعَتُنَا الَّذِينَ ... يُوَالُونَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَبْرُءُونَ مِنْ أَعْدَائِنَا» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴). به این ترتیب، مراد از تولّی و تبرّی پذیرش ولایت خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و بیزاری جستن از دشمنان خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در قلب و زبان و عمل در تمامی سطوح و مراحل زندگی می‌باشد.

۳. پرورش تولّی و تبرّی

واژه «پرورش» در زبان فارسی به معنای تغذیه کردن، مراقبت کردن، بزرگ کردن، آموزش، تأدیب و تربیت (دهخدا، ۱۳۴۶، ج ۳، ص ۳۲۱۳)، به کار رفته است. کلمه «تربیت» مصدر باب تفعیل از ماده «ر-ب-و» به معنای زیادت شدن و رشد دادن (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۴۴۱)، و از ماده «ر-ب-ب» به معنای حضانت، سیاست، تدبیر (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۵۷)، و سوق دادن کودک به سمت کمال و حُسن قیام بر انجام امور او تا رسیدن به رشد می‌باشد (زبیدی، همان، ج ۲، صص ۷-۸).

در اصطلاح برای تربیت تعاریفی متعددی از جمله: «پرورش استعداد های بالقوه یک شیء» (مطهری، همان، ج ۲، ص ۵۵۱)، و «شناخت خدا به عنوان ربّ یگانه انسان و جهان، برگزیدن

او به عنوان ربّ خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر " (باقری، ۱۳۸۵، ص ۴۴)، ارائه شده است.

از آنجایی که کمال حقیقی انسان و غرض نهائی شرایع الهی، ولایت خدای سبحان است (طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۲۵۱)، و امیال فطری انسان با این که به امور مختلفی تعلق می‌گیرد، ارضای کامل و نهائی آنها در یک چیز خلاصه می‌شود و آن "اتصال به معدن عظمت، علم، قدرت، جمال و کمال مطلق" است (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۹۵)، هدف و غایت نهایی پرورش تولّی و تبرّی فرزند، نیل به ولایت خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. به این ترتیب، مقصود از پرورش تولّی و تبرّی فرزند فرایند یاری رسانی برای نیل فرزند به ولایت خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام است؛ به گونه‌ای که او در قلب و زبان و عمل، مخلصانه دوستدار و مطیع آنها گردیده و از دشمنان آنان بیزار می‌گردد.

۴. وظیفه والدین

وظیفه در لغت به معنای چیزی است که اندازه‌گیری و تعیین می‌شود؛ مانند تقدیر روزانه عمل و رزق (فراهیدی، همان، ج ۸، ص ۱۶۹). وظیفه در زبان فارسی به چیزی گفته می‌شود که اجرای آن، شرعاً یا عرفاً بر عهده کسی باشد (دهخدا، همان، ج ۱۵، ص ۲۳۲۱).

مفهوم وظیفه با مفهوم «تکلیف» و «مسئولیت» تلازم دارد. «مسئولیت» در لغت به معنای موظّف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری است (همان، ج ۳۴، ص ۴۴۷) و در اصطلاح به معنای در معرض بازخواست بودن است (مصباح، ۱۳۶۱، ص ۱۲۱) تکلیف در لغت به معنای طلب امری مشتقّ آمیز است (ابن منظور، همان، ج ۹، ص ۳۰۷)، و در اصطلاح، خطاب شارع به انجام دادن یا تركّ کاری و یا تخییر بین آن دو، می‌باشد (هاشمی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۶۰۹).

والدین تثنیة والد و والده، به معنای أب و أم است (فیومی، همان، ص ۶۷۱). أب به پدر و هر چیزی که سبب ایجاد یا اصلاح یا ظهور چیزی باشد گفته می‌شود (راغب، همان، ص ۵۷). أم به مادر واقعی و نسبی و مادر بزرگ ها و هر چیزی گفته می‌شود که پیوسته‌های بعدی اش به آن منضمّ شود (فراهیدی، همان، ج ۸، ص ۴۲۶).

منظور از والدین در پرورش تولی و تبری فرزند، پدر و مادر حقیقی هستند و مراد از وظیفه والدین مسئولیت و تکلیف شرعی آنها می باشد.

وظیفه مندی والدین

از آنجایی که ولایت خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ، میثاق فطرت و نعمت فراموش شده ی خداوند است (هاشمی، ۱۴۰۰، ج ۲ ص ۱۵۰)، و فرزند به سبب آفتی از آفات بشری یا تقلیدی که از غیر در او اثر می گذارد از آن عدول می کند (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳ ص ۴۵۷)، پرورش تولی و تبری فرزند، حفاظت از هویت انسانی و حقوق فطری او می باشد.

از سوی دیگر، چنانکه تحقق یکتاپرستی بدون تبری از بت پرستی امکان پذیر نیست، برای دوری جستن فرزند از دشمنان خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت  و رسیدن او به ولایت خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ، پرورش تولی یا تبری او به تنهایی کافی نیست؛ بلکه والدین مسئول پرورش هر دوی آنها می باشند.

ادله وظیفه مندی والدین

دلیل ۱. آیه وقایه

خدای سبحان خطاب به مؤمنان می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ. . .» (تحریم: ۶/۶۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ هستند، حفظ کنید!

۱-۱. مفهوم وقایه

وقایه از ماده «وَقَى» است. وَقَى در لغت به معنای دفع چیزی از چیزی دیگر به وسیله غیر آن، حمایت کردن، پوشانیدن و حفظ شیء از هر چیزی مودعی و مضرّ است (زبیدی، همان، ج ۲۰، ص ۳۰۴). وقایه، چیزی است که با آن، شیء نگهداری می شود (فراهیدی، همان، ج ۵، ص ۲۳۸).

۲- ۱. مفهوم تقوا

تقوا در لغت، قرار دادن خود را در وقایه از شیء مخوف است (راغب، همان، ص ۸۸۱)، و در اصطلاح، نگهداری نفس از معصیت و عقاب به وسیله انجام طاعات و ترک محرمات است (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۵۰۱). تقوا مانند ایمان دارای درجات و مراتب متفاوتی است که صیانت خود و خانواده از آتش جهنم، نازل‌ترین مرتبه آن می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۳؛ جوادی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۷۳).

۳- ۱. مفهوم اهل

واژه «اهل» در لغت در مفهوم اُنس، قرابت، تعلق و اختصاص (فیومی، همان، ص ۲۸)؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۸۴)، به کار رفته است که معانی آن، نسبت به مضاف الیه آن؛ مانند دین، علم، شهر و خانه متفاوت می‌شود (راغب، همان، ص ۹۶). تعلق و اختصاص به چیزی، هرچه شدیدتر باشد، صدق عنوان «اهل» قوی‌تر می‌باشد؛ مانند اهل مرد که به همسر و فرزندان و نزدیکان و پیروان او اطلاق می‌شود (فراهیدی، همان، ج ۴، ص ۸۹؛ فیومی، همان، ص ۲۸).

۴- ۱. دلالت آیه وقایه

در بیان احکام و دستورات الهی یکی از شیوه‌های قرآن کریم روش خطاب است. خطاب در لغت به معنای برگرداندن و توجیه سخن به طرف غیر برای فهماندن مقصود است (فراهیدی، همان، ج ۴، ص ۲۲۲). مقصود از خطاب در آیه شریفه به شرح زیر است:

الف. خطاب: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا..."، نشانه رابطه‌ای مستقیم و زنده بین عبد و مولا است که تا از طرف عبد این رابطه قطع یا ضعیف نشود، از طرف خداوند همچنان پابرجاست.

بدین جهت گفتن لبیک از آداب تلاوت آن می‌باشد (جوادی، همان، ج ۲، ص ۳۵۷)؛

ب. وجود و حضور مکلف، پیش شرط صدور خطاب: "قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا..."،

نیست؛ زیرا موضوع له ادات خطاب، معنای انشایی (خراسانی، همان، ص ۲۶۷)، و مدخول ادات، مفهوماً عام است و سیره عقلا و عمل اصحاب ائمه علیهم‌السلام بر شمول حکم نسبت به همه مکلفان

می‌باشد (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۲، صص ۵۳۸)؛

ج. خطاب: "قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا. . ." ، دال بر وجوب حفاظت فرزند از موجبات آتش جهنم است؛

ه. حفاظت فرزند از موجبات آتش جهنم به معنای یاری رسانی برای رسیدن او به حصن ولایت خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ می باشد؛

و. رسیدن فرزند به ولایت خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ، مستلزم پرورش تولی و تبری فرزند می باشد؛

ز. پرورش تولی و تبری فرزند با توجه به اطلاق "قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا. . ." ، قبل از بلوغ و بعد از آن به شرط احتمال تأثیر و به صورت یکسان بر والدین واجب می باشد.

دلیل ۲. حدیث مسئولیت تربیت فرزند

حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) در بارة حق فرزند و مسئولیت تربیت او می فرماید:

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِمْ وَ شَرِّهِمْ
وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ
لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ
عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۶۴)؛ اما حق فرزند تو آن است که بدانی
او از تو است. . . و تو در آنچه ولایتش برعهده تو گذارده شده؛ از تربیت نیکوی فرزند
و هدایت او به سوی پروردگار و اعانت او بر طاعت خداوند مسؤل هستی!. پس در
کار او همچون کسی باش که می داند در نیکی کردن به او، وی را پاداش و در بدی
کردن به او، وی را کیفر میدهند.

۲-۱. سند حدیث

حدیث مسئولیت تربیت فرزند، قسمتی از رساله‌ی حقوق است. نجاشی (متوفی ۴۵۰ ق)، در
باره سند رساله‌ی الحقوق گوید: «. . . عن ابی حمزه به و له رسالة الحقوق عن علی بن
الحسین (علیه السلام) أخبرنا احمد بن علی قال: حدثنا الحسن بن حمزه قال: حدثنا علی بن ابراهیم عن
ابیه عن محمد الفضیل عن ابی حمزه عن علی بن الحسین (علیه السلام)» (نجاشی، ۱۳۶۵، صص ۱۱۶-

۱۱۷). همه راویان این زنجیره توثیق دارند (همان، ص ۶۴).

۲-۲. مفهوم حُسن ادب

ادب در لغت در معانی متعددی از جمله؛ نگاه داشتن حدّ هر چیزی (تهانوی، همان، ج ۱، ص ۱۲۸)، ریاضت نفس، اخلاق نیکو، زیرکی (مدنی، همان، ج ۱، ص ۲۷۴)، شناخت سبب دوری از خطاء و ملکه‌ای بازدارنده از کارهای زشت (جرجانی، ۱۴۱۲، ص ۶)، به کار رفته است. در فقه به رفتارها و خصلت‌هایی که ترک یا انجام آنها، موجب حُسن و کمال فعلی می‌شود که حکم شرعی به آن تعلق گرفته است، آداب شریعت گویند (هاشمی، همان، ج ۱، ص ۱۰۸).

«حُسن» ضد «فُجح»، به معنای زیبایی، نیکوئی، صفت کمال و چیزی سرور آور و سازگار با طبع و مورد ستایش است (تهانوی، همان، ج ۱، ص ۶۶۶). حُسن، امری وجودی است که در مورد تعلیم و تربیت به معنای سازگار بودن آن با سعادت آدمی است (طباطبایی، همان، ج ۵، ص ۱۰).
براین اساس، حُسن ادب فرزند به معنای ادب زیبا و نیکو است که او را در حدّ انسانیت خودش نگاه داشته و از خطاء و کارهای زشت باز می‌دارد.

۲-۳. مفهوم دلالت به ربّ

ربّ در لغت به معنای مالک، خالق، مصلح، مدبّر، مربّی، متمم، صاحب، سیّد و مطاع است (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۱۸۱؛ مدنی، همان، ج ۲، ص ۴۵) و به طور مطلق جز برای خدای تعالی گفته نمی‌شود (فراهیدی، همان، ج ۸، ص ۲۵۶)؛ زیرا سراسر جهان آفرینش از گردش ستارگان تا ورزش بادها و رویش گیاهان و تدبیر اعمال انسان‌ها، در مشیت و تدبیر «ربّ العالمین» است (طباطبایی، همان، ج ۱۰، ص ۴۸).

«دلالت» به معنای نشان دادن، ارشاد، آنچه که به سبب آن به معرفت چیزی می‌رسند (راغب، همان، صص ۳۱۶-۳۱۷)، و بودن شیء بر حالتی است که علم به وجود آن، مستلزم انتقال به وجود شیء دیگر باشد (مظفر، ۱۳۶۶، ص ۴۰). براین اساس، دلالت فرزند به سوی ربّ به معنای راهنمایی و معرفت بخشی و تقویت بعد عقلانی و اعتقادی فرزند در ارتباط با ربوبیت و ولایت خدای مهربان می‌باشد.

۲-۴. مفهوم معونت بر طاعت خداوند

کلمه «معونت» به معنای یاری کردن و پشتیبانی است (فراهیدی، همان، ج ۲، ص ۲۵۳). کلمه «طاعت» ضد «عصیان» است و به معنای انقیاد و پذیرش و اجرای فرمان از روی رغبت و خضوع می‌باشد (فراهیدی، همان، ج ۲، ص ۲۰۹). طاعت خداوند به معنای اطاعت از وحی؛ یعنی معارف و شرایع الهی است (طباطبایی، همان، ج ۴، ص ۳۸۸).

هرگاه خداوند خواستار تحقق چیزی باشد، اگر آن را به صورت فرمان به بندگان اعلام کند تا با اختیار خویش آن را محقق سازند، امر تشریحی و اگر مستقیم ایجاد کند، امر تکوینی است (همان، ج ۸، ص ۱۵۱). خدای سبحان به زبان عقل به انسان فرمان اطاعت داده است؛ همان طوری که پیامبر ظاهرش احکام و منهیات او را بیان کرده است (قمی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳). عقل، تکیه گاه شریعت و هدایت انبیاء و اولیاء است (خمینی، ۱۳۷۳، ص ۷۰). امر خداوند به اطاعت خود فرمان تشریحی و ارشاد به حکم عقل به وجوب اطاعت خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ و تأکید آن است (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۸۹).

معرفت و محبت و طاعت خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ، اثر متقابل برای تقویت و تکمیل همدیگر دارند؛ یعنی طاعت آنها در عین این که از معرفت و محبت آنان، مایه می‌گیرد، موجب باروری و تقویت و تثبیت معرفت و محبت آنها می‌گردد.

به این ترتیب، معونت فرزند بر طاعت خداوند به معنای یاری کردن فرزند برای رسیدن به ولایت خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ می‌باشد.

۲-۵. دلالت حدیث

حدیث مسئولیت تربیت فرزند با توجه به عبارت: "حَقُّ وَلَدِكَ . . . وَ أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ . . ." برامور زیر دلالت دارد:

الف. دلالت به ربِّ و معونت بر طاعت خداوند، حق فرزند است و بر ولیِّ او واجب می‌باشد؛

ب. دلالت به ربِّ و معونت بر طاعت خداوند به معنای یاری رسانی برای نیل فرزند به

ولایت خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد؛

ج. نیل فرزند به ولایت خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، مستلزم پرورش تولّی و

تبریّ او در ارتباط با خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد؛

د. کلمه «ولد» به معنای زاده است و بر مذکر و مؤنث و تثنیه و جمع و صغیر و کبیر اطلاق می‌شود (راغب، همان، ص ۸۸۳)؛

ه. پرورش تولّی و تبریّ فرزند در ارتباط با خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام قبل از بلوغ فرزند و بعد از آن بر ولیّ او واجب می‌باشد.

۳. سیره تربیتی معصومان علیهم‌السلام

سیره به معنای شیوه و چگونگی رفتار انسان در زندگی است (مطهری، همان، ج ۱۶، ص ۵۰) و به قولی و فعلی تقسیم می‌شود (داوودی، حسینی زاده، ۱۳۸۹، صص ۸-۹). اقتدای به معصومان علیهم‌السلام واجب است و عملی را که آنها به عنوان واجب، مستحب یا مباح، انجام داده اند، با اقتضای عمومیت، انجام آن با همان عنوان واجب است (حلی، همان، ج ۱، ص ۷۸).

۳-۱. دعای امام سجاده علیه‌السلام

امام سجاده علیه‌السلام برای تربیت تولّی و تبریّ فرزندانش این گونه دعاء می‌کند:

اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَىٰ بَيْتَاءِ وُلْدِي . . . وَ اعِنِّي عَلَىٰ تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ . . . وَ اجْعَلْهُمْ
أَبْرَارًا أَتَّقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ وَ لِأَوْلِيَائِكَ مُحِيبِينَ مُنَاصِحِينَ وَ لِجَمِيعِ
أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ (الصحيفة السجادية، ص ۱۲۰، دعای ۲۵)؛ خدایا، بقای
فرزنداتم را به من ارزانی دار. . . و مرا در تربیت و تأدیب آنان یاری رسان! . . . و آنان
را نیکو کارانی پرهیزگار و بینا و شنوا و فرمانبر خود و دوستدار و خیرخواه اولیانت و
دشمن و کینه توز دشمنانت قرار بده!«.

۳-۱-۱. سند دعاء

این دعاء قسمتی از دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه است. صحیفه سجادیه در بردارنده برخی از دعاهای امام زین العابدین علیه‌السلام است که اندیشمندان بزرگ و بزرگان از رجال علم و

دانش آن را اخت القرآن و انجیل اهل بیت علیهم السلام و زبور آل محمد (صلی الله علیه و آله) نامیده‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱-۱۳۲).

صحیفه سجادیه از حضرت باقرالعلوم علیه السلام و زید شهید علیه السلام از پدر بزرگوارشان، حضرت امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که به جهت تواتر لفظی و معنوی، هیچ تردیدی در آن وجود ندارد (حسینی جلالی، ۱۴۲۱، ص ۳۲).

علامه مجلسی علیه السلام درباره سند و متن صحیفه سجادیه، می‌فرماید: «طریق روایت صحیفه افزون بر هزاران طریق است. . . هیچ شکی نیست که صحیفه کامله از حضرت سیدالساّجِدین علیه السلام بوده، چرا که اتیان به آن از نظر متن، فصاحت، بلاغت و شمول بر علوم الهی، از غیر معصوم، غیر ممکن است.» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۱۱۰ صص ۴۷-۶۶).

۲-۱-۳. مفهوم حُبّ و بغض

کلمه «حُبّ» ضد «بغض» است و در لغت به معنای کشش یا آرامش نفس به چیزی موافق و ملائم است (مدنی، همان، ج ۱، ص ۳۷۸)، و در اصطلاح، به معنای وابستگی و انجذاب خاص شعوری میان انسان و کمال او (طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۴۱)، و ابتهاج نفس به چیزی موافق و ملائم می‌باشد (صدر المتألّهین، ۱۳۵۴، ص ۱۱۳).

محبت اگر شدت یابد «عشق» نامیده می‌شود (غزالی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۷۵). عشق در لغت به معنای افراط در محبت و عجب محبّ به محبوب است (فیومی، همان، ص ۴۱۲)، و در اصطلاح، به معنای محبت از حد گذشته و درجه عالی و پرشور محبت می‌باشد (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۶۲؛ جوادی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۹). عشق حقیقی، ابتهاج ناشی از تصور حضور ذات معشوقی است که خیر محض و کمال مطلق است (ابن سینا، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۶۰). حضرت حق تعالی، چون عین حُسن و کمال است، واجد کامل ترین عشق، به ذات خود است و موجودات، هر کدام به حسب مرتبه وجودی خویش، دارای مرتبه کمال عشق به ذات و آثار خود، و عشق به حضرت حق هستند (خلیلی، ۱۳۸۲، صص ۱۳۹-۱۴۰). کلمه «بغض» ضدّ «حُبّ» است و به معنای نفرت از چیزی است که نفس بدان رغبت ندارد (راغب، همان، ص ۱۳۶). بغض اگر شدت

یابد، «بغضاء» و اگر در مقام عمل ظاهر شود به آن، «عداوت» گویند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۳۱).

۳-۱-۳. مفهوم ولی و عدو

کلمه «ولی» ضد «عدو» (جوهری، همان، ج ۶، صص ۲۵۲۹)، صفتی است که بر هر یک از دو طرف ولایت جاری است و به کسی گفته می‌شود که دوستدار خیر برای ولی خود (عسکری، همان، ص ۲۷۸)، و قائم به امر او (فیومی، همان، ص ۶۷۲)، و حافظ حقوق او می‌باشد (مصطفوی، همان، ج ۸، ص ۷۵). مقصود از «اولیاء الله»، رسول خدا، و اهل بیت علیهم‌السلام (حویزی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۰۹) و کسانی هستند که به درجه عالی ایمان و عبودیت رسیده‌اند (طباطبایی، همان، ج ۱۰، ص ۹۰). کلمه «عدو» ضد «ولی» است و به معنای ظالم و متجاوز از حد و حق است (فیومی، همان، ص ۳۹۷؛ مصطفوی، همان، ج ۸، ص ۷۵). مقصود از «اعداء الله»، شیاطین انس و جن، کافران، مشرکان، منافقان، مجرمان و ظالمانی هستند که با خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، محادّه و مشاقّه (طوسی، همان، ج ۵، ص ۲۴۹) و محاربه می‌کنند (طباطبایی، همان، ج ۵، ص ۳۲۶).

۳-۱-۴. مفهوم مناصح و معاند

«مناصح» به کسی گفته می‌شود که در مودت و عمل خویش دارای اخلاص و صداقت است (ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۶۳)، و «معاند» به معنای مخالف و معارض و طاغی و ستیزه‌گر می‌باشد (مدنی، همان، ج ۶، ص ۱۰۸).

۳-۱-۵. دلالت دعاء

دعای امام سجاده علیه‌السلام بر وظایف زیر دلالت دارد:

الف. دعاء و طلب طاعت و محبت خالصانه ی خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام و برائت از دشمنان خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام برای فرزند، به معنای حفاظت او از موجبات آتش جهنم و یاری کردن او در نیل به ولایت خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد؛

- ب. حفاظت فرزند از موجبات آتش جهنم و یاری کردن او در نیل به ولایت خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ، بر والدین واجب می‌باشد؛
- ج. حفاظت فرزند از موجبات آتش جهنم و یاری کردن او در نیل به ولایت خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ، مستلزم پرورش تولّی و تبرّی او در ارتباط با خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ می‌باشد؛
- د. پرورش تولّی و تبرّی فرزند در ارتباط با خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ قبل از بلوغ فرزند و بعد از آن بر والدین واجب می‌باشد.

۲-۳. وصیتنامه امام علی ﷺ

امیر المؤمنین علی ﷺ، در بازگشت از صفین در منطقه "حاضرین" وصیتنامه‌ای به امام حسن مجتبی ﷺ، اینگونه نوشته است:

مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمَقَرِّ لِلزَّمَانِ . . . إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤَمَّلِ مَا لَا يَذُرُكَ . . . وَجَدْتُكَ
بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي . . . فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا مُسْتَظْهِرًا بِهِ . . . فَإِنِّي أَوْصِيكَ
بِتَقْوَى اللَّهِ أَيْ بِنَبِيِّهِ وَبِزُومِ أَمْرِهِ وَبِعِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَبِالِإِعْتِصَامِ بِحَبْلِهِ وَ أَى سَبَبٍ
أَوْثَقُ مِنْ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ . . . وَأَنْكِرِ الْمُتَنَكَّرِ بِبَيْدِكَ وَ لِسَانِكَ
وَ بَابِنِ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ وَ جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ . . . وَأَكْرِمِ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ
. . . وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا . . . وَ بَابِنِ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنَ عَنْهُمْ (نهج
البلاغه/نامه ۳۱): از پدری در آستانه مرگ . . . به فرزندی آرزومند چیزی که هرگز بدست
نمی‌آید . . . تو را جزئی از خود، بلکه همه خودم یافتم . . . پس این نامه را برای تو نوشتم
تا تکیه‌گاه تو باشد . . . پسر من تو را به تقوا و التزام به فرمان خدا، آباد کردن قلب با ذکر او، و
چنگ زدن به ریسمان الهی توصیه می‌کنم، و چه وسیله‌ای می‌تواند مطمئن تر از رابطه‌ای
که بین تو و خدا است باشد . . . و به دست و زبان کار ناپسند را زشت شمار و با کوشش
از آن که کار ناپسند کند خود را دور بدار و در راه خدا آنگونه که شایسته است جهاد کن .
. . . نفس خود را از هر پستی گرامی دار . . . بنده دیگری مباش زیرا که خداوند آزادت
آفریده . . . و از بدان پرهیز تا در شمار آنها در نیایی!».

۱-۲-۳. سند وصیتنامه

نامه سی و یکم امام علی علیه‌السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه‌السلام در کتاب شریف نهج البلاغه؛ مانند خطبه‌ها و نامه‌های دیگر آن حضرت، سندی به طور متصل به امام علی علیه‌السلام ندارد؛ ولیکن سلسله‌سند آن با روایان مورد اعتماد و کثرت و تعدد آن در کتب معتبر و مشهور دیگر (حسینی خطیب، ۱۳۶، ج ۳، صص ۲۹۶-۳۰۰)، و نیز اتقان متن و بلندی و عمق محتوای آن، دلیل و گواه وثوق و اطمینان به آن می‌باشد. سید ابن طاووس رحمته‌الله گوید:

... لَوْ كَانَ مِنَ الْحِكْمَةِ مَا يَجِبُ أَنْ يَكْتَبَ بِالذَّهَبِ لَكَانَتْ هَذِهِ وَ حَدَّثَنِي بِهَا جَمَاعَةٌ. . . ذَكَرَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِي فِي كِتَابِ الرَّسَائِلِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ بْنِ عَنبَسَةَ، عَنْ عَبَادِ بْنِ زِيَادِ الْأَسَدِيِّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام، قَالَ: «لَمَّا أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام مِنْ صَفِّينَ كَتَبَ إِلَيَّ إِلَيْهِ الْحَسَنَ عليه‌السلام . . . (ابن طاووس، ۱۳۷۵، صص ۲۱۸-۲۲۱).

۲-۲-۳. مفهوم وصیت

«وصیت» به معنای آنچه بدان وصیت می‌شود (فراهیدی، همان، ج ۷، ص ۱۷۷)، فرمان دادن، تفویض و پیشاپیش عمل به چیزی را با موعظه از دیگری خواستن می‌باشد (تهانوی، همان، ج ۲، ص ۱۷۹۴).

۳-۲-۳. مفهوم اعتصام به حبل‌الله

«حبل» به معنای چیزی است که با آن می‌توان به خواسته و هدف رسید (راغب، همان، ص ۲۱۷). مراد از «اعتصام به حبل‌الله»، تمسک جستن و چنگ زدن به دین اسلام و قرآن (همان، ص ۵۶۹)، و ولایت خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۰). کلمه «ولایت» از ماده «ولی»، به معنای برداشته شدن واسطه بین دو چیز است؛ به طوری که چیزی غیر از آن دو، میان آن دو حائل نماند (طباطبایی، همان، ج ۱۰، ص ۸۸). خداوند متعال دو سنخ ولایت دارد:

۱. ولایت تکوینی؛ یعنی تصرف عینی داشتن در موجودات جهان و عالم خارج که اراده

خداوند متعال، مساوی با تحقق آنها است و در آن تخلف راه ندارد؛

۲. ولایت تشریحی؛ یعنی خداوند قوانین و احکام را برای هدایت بشر، جعل نموده است و آنان ممکن است در مقام امتثال، اطاعت یا عصیان کنند طباطبایی، همان، ج ۶، ص ۱۲؛ جوادی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳).

ولی حقیقی، فقط خدای سبحان است و در ولایت هر انسانی بر انسان دیگر، اصل اولی، عدم ولایت است، مگر آنکه از سوی آفریدگار انسان باشد. بر همین اساس، ولایت رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، نشانه و مظهر ولایت خداوند و به اذن و فرمان او می باشد (جوادی، همان، ص ۱۲۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۷۸).

۳-۲-۴. مفهوم کرامت نفس

کرامت نفس به معنای نفیس و شریف و عزیز شدن نفس است (راغب، همان، ص ۷۰۷). کرامت هر موجودی به اندازه برائت از دنائت است. انسان از دنائت به مقدار عبودیت خداوند متعال رهایی یافته و به کرامت می رسد (جوادی، ۱۳۸۹، ج ۱، صص ۲۰۴-۲۰۵).

۳-۲-۵. مفهوم حرّ

«حرّ» به معنای آزاد و برگزیده ترین مردم است (فراهیدی، همان، ج ۳، ص ۲۳). حرّیت موهبت الهی است به انسان که تا از بردگی نفس و شیطان رهایی یافته، به بندگی خدای سبحان نایل شود (طباطبایی، همان، ج ۱۰، ص ۳۷۲).

۳-۲-۶. مفهوم انکار منکر

انکار منکر به معنای نشناختن، نپذیرفتن (ابن فارس، همان، ج ۵، ص ۴۷۶) و اظهار کراهت از منکر است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۳۸۳).

۳-۲-۷. مفهوم مباحثت از اهل شرّ

مباحثت از اهل شرّ به معنای مفارقت، مهاجرت و دوری جستن از اهل شرّ است (جوهری،

همان، ج ۵، ص ۲۰۸۳). نسبت شرّ به چیزی بدان جهت داده می‌شود که یا عدم کمالی دارد و یا موجب عدم کمال برای شیء دیگر می‌شود (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱ ج ۱، ص ۳۴۲).

۸-۲-۳. دلالت وصیتنامه

وصیت نامه امام علی علیه‌السلام به امام حسن مجتبی علیه‌السلام بر وظایف زیر دلالت دارد:
الف. سفارش به تمسک و چنگ زدن فرزند به حبل‌الله - ولایت خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام - و دوری جستن او از اهل شرّ - دشمنان خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام - به معنای یاری کردن او در نیل به ولایت خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام و حفاظت او از موجبات آتش جهنم می‌باشد؛

ب. حفاظت فرزند از موجبات آتش جهنم و یاری کردن او در نیل به ولایت خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، بر والدین واجب می‌باشد؛

ج. حفاظت فرزند از موجبات آتش جهنم و یاری کردن او در نیل به ولایت خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، مستلزم پرورش تولّی و تبرّی او در ارتباط با خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد؛

د. پرورش تولّی و تبرّی فرزند در ارتباط با خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام قبل از بلوغ فرزند و بعد از آن بر والدین واجب می‌باشد.

نتیجه

نتایج پژوهش با توجه به آنچه گذشت به شرح زیر است:

۱. فقه اهل بیت علیهم‌السلام، اختصاص به مسائل فردی و اعمال ظاهری مکلفان ندارد؛ بلکه شامل مسائل اجتماعی و سیاسی و اعمال باطنی مکلفان؛ مانند «حُبِّ فِي اللَّهِ» و «بُغْضِ فِي اللَّهِ» و تربیت تولّی و تبرّی فرزند نیز می‌شود؛

۲. تولّی و تبرّی یک آموزه‌ای اعتقادی و رفتاری است و به معنای پذیرش ولایت خداوند

و رسول

خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام و بیزاری جستن از دشمنان خداوند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام

در تمامی مراتب و شئون وجودی و مراحل زندگی است؛

۳. پرورش تولّی و تبرّی فرزند به معنای فرایند یاری رسانی برای نیل فرزند به ولایت

خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت  است؛

۴. پرورش تولّی و تبرّی در ارتباط با خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت ، زمانی تحقق

می‌یابد که فرزند در معرفت دچار وهم و خیال نگردد و در قلب و زبان و عمل، مخلصانه

دوستدار و مطیع آنها گردیده و از دشمنان آنان بیزاری جوید؛

۵. پرورش تولّی و تبرّی فرزند در ارتباط با خداوند و رسول خدا ﷺ و اهل بیت  طبق

آیه وقایه، حدیث مسئولیت تربیت فرزند و سیره تربیتی معصومان ، قبل از بلوغ فرزند و بعد

از آن به شرط احتمال تأثیر و به صورت یکسان بر والدین واجب می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه (۱۴۱۴ق)، شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، چاپ اول، قم: هجرت.

الصحیفة السجادیة، (۱۳۷۶ش)، چاپ اول، قم: دفتر نشر الہادی.

ابن سینا، حسین بن عبداللہ، (۱۳۷۵ش)، الاشارات و التنبیہات، چاپ اول، قم: نشر البلاغہ.

_____، (۱۳۸۸ش)، مجموعہ رسائل شیخ الرئیس ابن سینا، ترجمہ سید محمود طاہری، قم: انتشارات آیت اشراق.

ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۵ش)، کشف المحجۃ لثمرۃ المہجۃ، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.

_____، (۱۳۷۶ش)، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ش)، النہایۃ فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق و تصحیح طناحی محمود محمد/ زاوی طاہر احمد، چاپ چہارم، قم: اسماعیلیان.

ابن شہر آشوب، رشید الدین محمد بن علی، (۱۳۸۰ق)، معالم العلماء فی فہرست کتب الشیعۃ و أسماء المصنّفین قدیما و حدیثا، چاپ اول، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریة.

ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغہ، تحقیق و تصحیح ہارون عبدالسلام محمد، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.

اصفہانی، محمد حسین کمپانی، (۱۴۱۸ق)، حاشیة کتاب المکاسب، چاپ اول، قم: أنوار الہدی.

باقری، خسرو، (۱۳۸۵ش)، نگاہی دوبارہ بہ تربیت اسلامی، چاپ سیزدہم، تہران: مدرسہ.

تہانوی، محمد علی بن علی، (۱۹۹۶م)، کشاف اصطلاحات الفنون، تحقیق و تصحیح دحروج

علی، چاپ اول، بیروت: مکتبۃ لبنان ناشرون.

جوادی آملی، عبداللہ، (۱۳۸۵ش)، تسنیم، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.

_____، (۱۳۸۱)، صہبای حج، چاپ سوم، قم: اسراء.

- _____، (۱۳۶۳ش)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: مرکز فرهنگی رجاء.
- _____، (دی ۱۳۸۷ش)، «فلسفه تولی و تبری در قرآن و روایات»، پاسدار اسلام، شماره ۳۲۵.
- _____، (۱۳۷۸ش)، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت، قم: نشر اسراء.
- _____، (۱۳۷۹ش)، فطرت در قرآن، چاپ چهارم، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- _____، (۱۳۸۹ش)، ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، چاپ ششم، قم: اسراء.
- جرجانی، علی بن محمد، (۱۴۱۲ق)، التعریفات، چاپ چهارم، تهران: ناصر خسرو
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حلی، محمد بن حسن بن یوسف، (۱۳۸۷ش)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، چاپ اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حسینی دشتی، سید مصطفی، (۱۳۶۹ش)، معارف و معاریف، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- حسینی خطیب، سید عبدالزہراء (۱۳۶۷ش)، مصادرنہج البلاغہ و اسانیدہ، چاپ چهارم، بیروت: دارالزہراء.
- حسینی جلالی، محمد رضا، (۱۴۲۱ق)، دراسة حول الصحیفہ السجادیہ، چاپ سوم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات
- خمینی، روح الله، (۱۳۷۳ش)، مصباح الہدایة الی الخلافة و الولاية، مقدمه استاد سید جلال الدین آشتیانی، تهران: مؤسسه نشر تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خلیلی، محمد حسین، (۱۳۸۲ش)، مبانی فلسفی عشق از منظر ابن سینا و ملاصدرا، قم: بوستان کتاب.
- خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، کفایة الأصول، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیہم السلام.
- دہخدا، علی اکبر، (۱۳۴۶ش)، لغت نامہ دہخدا، زیر نظر محمد معین، تهران: دانشگاه تهران.
- داودی، محمد، حسینی زاده، سید علی، (۱۳۸۹ش)، سیرہ تربیتی پیامبر (صلی الله علیہ و آلہ و اہل بیت علیہم السلام)، چاپ اول، قم: پژوهشگاہ حوزه و دانشگاه.
- راغب اصفہانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
- زنجانی، عباس علی عمید، (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیر کبیر.

زیبیدی، محمد مرتضی بن محمد، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، تحقیق و تصحیح علی شیری، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.

شریف مرتضی، علی بن حسین، (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، چاپ اول، قم: دار القرآن الکریم.

صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم، (۱۹۸۱م)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث.

صدوق ابن باویه، (۱۳۶۲ش)، الخصال، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

_____، (۱۳۶۱ش)، رسالة فی الولاية، - یادنامه علامه طباطبائی، جمعی از نویسندگان - قم: شفق.

عراقی، ضیاء الدین، (۱۴۱۷ق)، نهاية الأفكار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، چاپ اول، بیروت: دارالافاق الجدیة.
عروسی حویزی، ابن جمعة، (۱۳۷۳ش)، تفسیر نورالثقلین، کوشش رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان.

غزالی، محمد بن محمد، (۱۴۰۶ق)، احیاء علوم الدین، بیروت.
فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم: هجرت.
فیومی، احمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر، چاپ دوم، قم: دار الهجرة.
قمی، میرزا ابوالقاسم، (۱۳۷۸ق)، قوانین الأصول، کتابفروشی علمیه اسلامیة.
قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش)، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم: دار الکتاب.

قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی، چاپ اول، قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۳ش)، مجموعه آثار، چاپ یازدهم، قم: صدرا.
- _____، (۱۳۶۷ش)، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، تهران: صدرا.
- مکارم، ناصر و همکاران، (۱۳۸۵ش)، دایرة المعارف فقه مقارن، چاپ اول، قم: مدرسة الامام امير المومنين علی بن ابیطالب علیه السلام.
- _____، (۱۳۵۳ش)، اخلاق در قرآن، چاپ اول، قم، انتشارات نسل جوان.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۱ش)، فلسفه اخلاق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مظفر، محمدرضا، (۱۳۶۶ش)، المنطق، قم: اسماعیلیان.
- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت - قاهره - لندن دار الکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مدنی، سید علیخان بن احمد، (۱۳۸۴ش)، الطراز الأول، چاپ اول، مشهد مقدس: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، چاپ ششم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة و تکملة منهاج البراعة چاپ چهارم، تهران: مکتبة الإسلامية.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران، (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.